

غمنر! خواب بر با غفلت و یا ترس و سکوت؟؟؟



قسمت سوم (استاد صباح)

برودر کشور ما بگردونگر

همه خراب اند با حال اپتر

شما با ریش و با پکول نازید

ولی هر روز میزید دوصد عر .

تمام کسانی که در حکومت وحدت ملی شامل هستند در طول سی و پنج سال به جنگ و غارت و چپاولگری مشغول بودند. دولت وحدت ملی در حال حاضر برای تداوم قدرت جنایتکاران و غارتگران و برای تداوم نظام مافیایی حکومت فعلی به وجود می آید. حکومت برای تعیین چگونگی تقسیم چوکی ها و منصب ها است. مردم بر این باورند که تشکیل این حکومت به معنای تداوم قدرت چهره های گذشته است و در واقع نمی تواند تاثیر مثبتی در روند حکومتداری بگذارد.

امنیت و آرامش امروز در وطن به یک رویایی دست نیافتنی و امنیت به یک کابوس وحشتناک تبدیل شده است. امنیت به دست کسانی هست که دیروز به منظور حرفه ی شدن نشانه زنی، عابرین را به گلوله می بستند. به دست کسانی هست که افتخار خرابی این شهر را به گردن آویخته اند. آنانی که سالهای سال است که در مقابل ملت ستم دیده و مردم رنج کشیده زور گفتند ، کشتند ، بستند و بردند و از اموال بیت المال و از خون ملت قصرها، بلدنگها و آسمان خراشها ساختند و در مقابل دید جامعه بین المللی و قوای ناتو ثروت ملی را به تاراج می برند و دستان شان بیشتر از گذشته و به خون بی گناهان آلوده شده است .

ماجرای قتل و ترور سران جمعیت



چه قدر فاصله اینجاست بین آدمها
چه قدر عاطفه تنهاست بین آدمها
کسی به حال شقایق دلش نمی سوزد
او هنوز شکوفانست بین آدمها
کسی به نیت دل ها دعا نمی خواند
غروب زمزمه پیداست بین آدمها
تمام پنجره ها بی قرار بارانند
چه قدر خشکی و صحراست بین آدمها.

جناب رییس جمهور! سران جمعیت (بخصوص شورای نظار، اتحاد سیاف و حرکت که در پانزده سال اخیر جزو جرگه قدرت درارگ بوده اند، داد می زنند که دولت، عاملان «قتل های زنجیره ای» نظامیان وابسته به جمعیت را پیگیری نمی کند. اینان در واقع حلقه مسئولیت و حسابگیری را به گردن خود شان می اندازند. منظور آنها از «حکومت» و «دولت» چیست؟

شروع ترور ها از سید مصطفی کاظمی (حرکتی وابسته به شورای نظار) که از سوی انتحاری ها آماج قرار گرفتند، که خود مقامات و شخصیت هایی که حالا دولت را به اهمال در پیگیری عاملان ترور متهم می کنند، یا وزیر خارجه، یا وزیر داخله یا رئیس امنیت و یا رئیس ولسی جرگه یا والی و... بوده اند. از همان زمان فهیم قسیم و خلیلی معاونان چپ و راست رئیس جمهور بودند و حالا هم هستند؛ از همان زمان، بسم الله محمدی لوی درستیز وزیر دفاع بوده حالا هم عرمی زند. وتورن اسماعیل، عطا محمد (چور) هم در رأس مقامات عالییه قرار داشتند و حالا هم ستون پنداشته می شوند.

گذشته ازین، بقیه در ولسی جرگه و جمع مشاوران ارشد رئیس جمهور ویا به حیث سفیران و فرماندهان اردوی ملی و پولیس، شورای امنیت ملی یا در رأس شورا های ولایتی و یا هم به عنوان منتقدین محلی، بر حال و حاضر در صحنه بوده اند و حالا هم هستند. پس هدف اینان منتقد و شاکی ازین که دولت و حکومت نتوانسته سر نخ های ترورهای شخصیت ها را کشف کند، چه کسانی است که تا حال از آسمان نازل نشده ویا در سیاره مریخ یا کره ماه سکونت گزیده اند! همین امنیت ملی از زمان عارف سروری، شروع تا امرالله صالح به طور کامل در اختیار حکومت حاکم قرار داشت. اسدالله خالد فرد نزدیک به سیاف، کرزی و فهیم. همین امنیت ملی از الف تا ی تحت او امر شان است و هر روز هم از طریق مطبوعات و اعلامیه های رسمی دولت توضیح می دهند که آدرس اصلی ترور و تروریست ها، «شورای کویت» یا حلقات وابسته به آی اس آی است. پس آیا یک مهاجر دور از وطن، یک جوانی شهرویک تکسی ران کابل بیاید شبکه های ترور را برای شان رد یابی کنند؟

همه چیز روشن است و هیچ چیزی هم نا شفاف باقی نمانده است. خود منتقدان، هم دولت، هم حکومت، و هم قاضی اند و اردو و پولیس و امنیت ملی زیر ریش شان است. پس چه کم دارند که زبان به شکوه می گشایند و از «دولت» طوری یاد می کنند که گویا دولتی است که تشکیلاتش از کدام سیاره دیگر نازل شده و در نظر اینان کاملا ناشناخته است. یا دولت به طور کل پیچ و مهره اش بر ضد «مجاهدین» است و همدست گروه های طالب که به جان قوماندان ها و سیاسیون «مجاهدین - چپاولگران» ساطور برداشته اند! به شمول کرزی و صدها مشاور و سکرتر و دستکی ها، همه به اردوگاه اینان و اکنون نیز رییس اجراییه، پنجاه پنجاه کابینه، وزارت داخله، معین ارشد امنیتی، معاونین امنیت ملی و... تعلق دارد؛ حتی یک مدیر در یک وزارت بدون مجوز و تایید دسته بندی های مقامات، مقرر نمی شود. از کی توقع دارند گره از مشکل شان بگشاید؟

قانونی، عبدالله، امرالله صالح، بسم الله محمدی، ملا مغنوی، عتیق بریالی، جباروالی کابل و ده ها تن دیگر که قدرت حکومت و نظام بودند و هستند، توقع دارند که یک حمام چپ و یا شیر فرو شوکلنر بیاید ماجرا های ترور را تعقیب می کرد؟ مگر اوباما، آصف علی زرداری یا احمدی نژاد و خمینی، امام علی رحمان بیایند تحقیق کنند تا جنرال داود وربانی و انجنیر عمر و مولانای سیدخیل را چه نیروهایی از صحنه حذف کرده اند؟ این در حالی است که طالبان به حیث پیشقراول جنگ و ترور، همواره اعلام می کند که این کشتارها را ما انجام داده ایم. بنا برین، آیا اینان راه را گم کرده اند یا قصد گمراهی اذهان عامه دارند؟ آیا ما با یک سوژه طنز سیاسی دارای سروکار نداریم؟

تورن اسماعیل می گوید- توپ و تانگ ما را جمع کردند و مثل اشغال در یکجا سر هم ریختند و به عوض آن دختر آلمانی آوردند، دختر فرانسوی آوردند، دختر هالندی آوردند، دختر امریکایی را مسلح کردند، عسکر سفید پوست اروپایی آوردند، عسکر سیاه پوست آفریقایی آوردند و فکر کردند که در اینجا امنیت آورده می توانند، اما نتوانستند. نظامیان خارجی قادر به تامین امنیت افغانستان نیستند و باید سهم بیشتر به مجاهدین داده شود. وی در تلاش ایجاد نهاد ویژه ای

نظامی از مجاهدین پیشین است و در این باره با رییس جمهور کشور نیز گفتگو های شده است. با شخص جناب رییس صاحب دولت که یکی از مجاهدین است، در رابطه صحبت های مفصل داشتیم، و در مرکز افغانستان فعلاً نام نویسی و روی یک آجندا و مسوده تشکیل جهادی در سطح افغانستان کار می کنیم. وی تاکید می ورزد که هم اکنون حکومت در حال ترتیب طرح این نهاد ویژه است.

طالبان دولتی را بشناسیم



آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که ، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت نپذیرفته ، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است . در حالیکه در اوضاع کنونی و در طی بیش از چهار سال این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام میشد اما این مامول ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی میشود. افغانستان با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیر خاکستر می ماند که هر آن امکان دارد با کوچکترین بی احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می توان بر دامنه این تهدید نیز افزود.

دهها هزار میل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کل کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف ، وحدت اکبری، وحدت محقق، حرکت های اسلامی و ... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروپها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاحوت های خود را حفظ کرده اند. حال که در موجودیت نیروهای آیساف و ائتلاف بین المللی امکان درگیری های فرسایشی جبهوی بین گروپ های مختلف و متخاصم وجود ندارد، گروپ های مسلح صرف بخاطر کسب امتیاز و غارت دارایی های مردم به سلاح خفیف ضرورت دارند. سلاح های خفیف و مهمات را حفظ کرده، سلاح های دیگر چندان به درد شان نمی خورند.

از تمام سلاحوت های هابی که توسط نیروهای امنیتی داخلی و خارجی تا حال کشف شده، در آن ها نه سلاح سبک و نه مهمات شان وجود داشته، که این خود نشان می دهد سلاح های سبک تهدید کننده اصلی امنیت کشور بوده، همچنان در دست تنظیم ها و گروپ های مسلح باقیمانده است.

سلاحوت های قسیم فهیم و بسم الله محمدی در پنجشیر، امان الله گذر و قسیم جنگل باغ در کوه دامن، بصیر سالنگی در پروان ، انواع گوناگون سلام و مهمات تورن اسماعیل در هرات ، سید حسام الدین و دارودسته اش در دوشی ، سلاح های

قوماندانان فرید درکوهیند کوهستان، هزاران میل سلاح قوماندانان پنجشیر، سلاح های عارف داوری در شهرستان، هزاران میل سلاح عطا در مزار، سلاح های علییار و ابوذر در بامیان، سلاح های ظاهر قدیر و قوماندان حضرت علی در ننگرهار و لغمان، اسلحه ۱۵۹ نفر از قوماندان حزب اسلامی، سلاح های ملاشیر محمد و عبدالرحمن جان، شیر علم و سیاف و... گل آقاي شیرزي از قندهار را چه وقت جمع اوري کردند؟.

سوال اینجاست آیا همین قوماندانانی که در قطعات نظامی به پروسه ی دي دي آر پیوستند، ۲۰ در صد سلاح خود را تحویل داده اند؟ آیا ۸۰ در صد آنها را برای روز مبادا نگهداری نکرده اند و آیا با همین سلاحها همین امروز غارت و چپاول نمی کنند؟ انتقال این مقدار مواد مخدر به خارج از کشور، درگیری ها، راه گیری ها، اختطاف ها و قتل در شهرها حتی در پایتخت با کدام سلاح صورت می گیرند؟ قوماندانان نذیر در زملي مجددي بدخشان، قومندان عطا در مزار، حضرت علي و حاجي دين محمد، ملاشیر محمد و عبدالرحمن جان در هلمند، قاضي کبير و بشیر چاه آبی در تخار، مطلب بیگ و پیرام قل در کندز، قوماندان سلام در غور، امان الله در شیندند، افراد اسماعیل خان در هرات، انجنیر غفار در ننگرهار، کشمیر در کنرها و... خلع سلاح شده اند؟ در جریان سه دهه جنگ بیشتر از يك و نیم میلیون میل سلاح خفیف از چار طرف وارد افغانستان شده است که از آن جمله تا حال ۲۴ هزار میل آن جمع اوري گردیده.

اگر ۲۰ در صد آن زیر خاک پوسیده باشد، باز هم حدود يك میلیون میل سلاح در دست سرگروپها و اشخاص منفرد باقیمانده است، و این در حالی است که ورود سلاح از پاکستان توسط طالبان و حزب اسلامی کماکان ادامه داشته هر روز بر انبار سلاح و مهمات در کشور ما افزوده می گردد. جامعه جهانی اگر مایل است که در مجموع سلاح از افغانستان جمع اوري گردد، باید سلاح قوماندانان و سرگروپ ها را از دست شان خارج سازد. در غیر آن ادعای شان مبنی بر خلع سلاح در افغانستان، خیالی و دروغ بیش نیست. امنیت یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسمایی است که از زبان مسولین دولتی و تریبیونها و بلند گواها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس می کنیم.

زورگویی ها بی کفایتی مسولین بلند پایه دولتی استخدام اشخاص مفسد در رده های بلند دولتی غارت کمک های جامعه جهانی غارت بیت المال از سوی برخی وزیران، قوماندانان جهادی جنگسالار، والیان، ولسوالان و دیگر افراد در ولایات کشور جریان دارد. کززی و یاران تفنگدارش در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آورد و تا توانستند با دموکراسی، آزادی عقیده و بیان در کشور مقابله کرد و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه ی عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران، گسترش قدرت جنایتکاران و حمایت قاطع از آنان، همه و همه نشان از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی، حقوق بشر، مردمسالاری و عدالت اجتماعی اعتقادی ندارند. در اداره کززی روز بروز بر تعداد جرم و جنایت افزود می گردد. چرا جرم و جنایت صد برابر شد؟ در روز روشن غارت مسلحانه، قاچاق اجبار قیمتی، کودک ربایی، اختطاف کارمندان بین المللی، ترورهای سیاسی، غارت کمک های بازسازی، رشد عقاید منفور بنیادگرایی، زندانی ساختن زنان و رشد فعالیت های روزافزون سرویس های جاسوسی خارجی و بخصوص همسایگان، رشد تولید و قاچاق مواد مخدر همه و همه کاریست که بشکل از اشکال تفنگداران، زورگویان و قانون شکنان سهیم اند.

جنایتکاران جنگی افغانستان که جنایات و قساوت شان به مراتب نسبت به جنایتکاران یوسنی موحش تر و حیوانی تر است، همه طی ده سال گذشته بوسیله ملل متحد، امریکا و متحدانش در قدرت نصب شدند و بالاترین پست های دولتی برایشان داده شد و دست شان در هر جنایت و چپاول و فساد باز گذاشته شده است. به این هم اکتفا نکرده، به مرده هایشان لقب داده شد و به زنده ها اجازه داده شد که جنایات خود را ببخشند و برای فرار از هرگونه بازپرسی قانون خایانه عفو بسازند. و حال به آنانی که بیرون از دایره قدرت مانده اند رشوه پیشکش میکنند که به اداره فاسد، مافیایی و پوشالی بپیوندند و مثل دیگر جانیان از نعمت های موجود بهره برند.

به دلیل این خیانت نابخشودنی غرب نسبت به مردم و وطن ماست که با وجود ده سال جنگ، کشتار دهها هزار هموطن بیگناه ما، برپادی و مصرف صدها میلیارد دالر هنوز هم وضعیت افغانستان از بد بسوی بدتر شدن روان است. بدون محاکمه جنایتکاران و تامین عدالت، افغانستان هرگز روی صلح، ثبات، آزادی و دموکراسی را نخواهد دید. و تا زمانی که مردم افغانستان خود برای عدالت و آزادی تلاش و پیکار ننمایند، کسی این ارزشها را به آنان هدیه نخواهد کرد و وضعیت به همین منوال ادامه خواهد یافت.

تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است. در افغانستان بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در جبهه ای واحد به امریکا کمک می کردند.

روزنامه گابریک چاپ روسیه نگاشته که امروز همه طالبان تحت فرمان ملا هبیت الله نیستند و در جریان گزارش خود چنین اضافه کرده:

عطا محمد در حدود سه هزار طالب دارد.

امان الله گذر حدود دو نیم هزار طالب دارد.

بسم الله محمدی حدود دو هزار طالب دارد.

ادیب فهیم هزار و دویست طالب دارد.

محمد محقق دو هزار و پنجاه و چهار طالب دارد.

فضل هادی مسلمیار هزار و پنجاه طالب دارد.

اسماعیل خان دو هزار و دویست طالب دارد.

جنرال ملک هفتصد طالب دارد.

رووف ابراهیمی چهارصد طالب دارد.

اینها افرادی را حمایت نموده بنام طالب حمایت مادی و مالی می کنند تا به اعمال غیر مشروع و اهداف غیر انسانی شان دست یابند. بالفرض اگر ملا هبیت به پروسه صلح بپیوندد و همه سلاح و مهمات خود را تسلیم دولت کند باز هم ریشه طالب خشک نخواهد شد. طالبان دیروز از ملا عمر دستور می گرفتند ولی امروز نمیتوانیم از چنین وضعیتی سخن زد. طالب امروز ریشه مافیایی افراد بلند رتبه دولتی دارد که خاتمه دادن به این مافیا، کار سهل نیست. بیشترین طالب امروز به فرمان عطا محمد فعالیت می کند.

ادامه دارد...

بقیه کزیده های مقالات استاد صباح کلیک نماید